آسیب‌های نظام طبقاتی دانشگاه و نگاه ابزاری به دانشجو

رضا صادقی
عضو گروه فلسفه دانشگاه اصفهان

دانشگاه درکنار دانش و دانشمندانی که دارد ساختاری طبقاتی نیز دارد که به دلیل آنکه جهانی است و تغییر نمی‌کند، اغلب مورد توجه قرار نمی‌گیرد. نظام طبقاتی درون دانشگاه از چهار طبقه استاد، کارمند، دانشجو و خدمه تشکیل شده است. خدمه و باغبان‌های دانشگاه با اینکه در دانشگاه بیشترین فعالیت بدنی را دارند اما از نظر تغذیه، محل استراحت و سایر امکانات، محروم‌ترین طبقه دانشگاهی هستند. آنها شاید در عرف دانشگاه به‌عنوان یک طبقه دانشگاهی و بخشی از نیروی انسانی دانشگاه به حساب نیایند و چون در پایین هرم نیروی انسانی دانشگاهی قرار دارند کمترین کالری را دریافت می‌کنند و بیشترین بار را بر دوش می‌کشند.

استادان برعکس هستند و در رأس هرم قرار دارند. آنها در نظام طبقاتی دانشگاهی اقلیت برخورداری هستند که براساس معیارهای دانشگاهی از جایگاه و حقوقی ممتاز برخوردارند و براساس نمره‌ای که می‌دهند و مدرکی که صادر می‌کنند، این قدرت را دارند که جایگاه و حقوق سایر افراد جامعه را نیز تعیین کنند. آنها با نمره‌ای که به دانشجویان می‌دهند به‌تدریج آنها را طبقه‌بندی می‌کنند و با مدرک نهایی که صادر می‌کنند موقعیت اجتماعی آنها و میزان برخورداری آنها را مشخص می‌کنند.

در بین استادان نیز نظام رتبه‌بندی خاصی وجود دارد که منافع مادی براساس آن تقسیم می‌شود. استادتمام (فول‌پروفسور) در برخورداری از مزایا در رأس هرم استادی قرار دارد و استاد حق‌التدریس در پایین‌ترین مرتبه نظام استادی قرار دارد. پرداختی حق‌التدریس بسیار اندک است و در مقایسه با پرداختی به استادان رسمی به‌هیچ‌وجه عادلانه نیست. استاد حق‌التدریس فاقد امنیت شغلی است. او برای اینکه دو واحد تدریس از دانشگاه بگیرد تلاش زیادی می‌کند و برای اثبات خود و از دست ندادن این موقعیت مجبور است ساعت‌ها برای طرح درس خود وقت بگذارد.

استادتمام برعکس است. او از نظر شغلی در امنیت کامل است و بدون نیاز به طرح درس این حق را دارد که در لحظه تدریس درخصوص محتوای درس تصمیم بگیرد. او می‌تواند در کلاس دکتری از خاطرات دوران تحصیل خود بگوید یا از سیاست انتقاد کند یا از دانشجویان تقاضا کند که تحت نظارت او کلاس را اداره کنند. محتوای تدریس او می‌تواند تکراری یا فاقد انسجام باشد.

در حوزه پژوهش نیز کار استادتمام ساده است. او برای گرفتن پایه و پاداش نیازی به نگارش مقاله ندارد. دانشجویان رده بالا این کار را برای او انجام می‌دهند. آرزوی هر دانشجویی است که مقاله خود را با نام مشترک یک استادتمام منتشر کند و کمتر دانشجویی حاضر است این افتخار را از دست بدهد. در هرم استادان جایگاه و مزایای سایر طبقات استادی در وضعیتی بین حق‌التدریس و استاد تمامی قرار دارد. هرچه به رأس هرم نزدیک شویم وظایف کمتر و مزایا بیشتر می‌شوند.

کارمندان در نظام دانشگاهی طبقه متوسطی هستند که در حد وسط بین طبقه دانشجو و استاد قرار دارند. آنها بیش از هر طبقه‌ای دارای خودآگاهی و نارضایتی هستند اما این نارضایتی به هیچ وجه دربرابر استادان ابراز نمی‌شود و بیشتر در برخورد با پایین‌ترین طبقه یعنی طبقه دانشجویان نمایان می‌شود. منطق این برخورد این است که برتری و برخورداری طبقه ممتاز به دلیل سرسپردگی پایین‌ترین طبقه است. بنابراین در بین طبقات دانشگاهی، دانشجویان فشار دو طبقه بالاتر را بر دوش می‌کشند.

در هر ساختار طبقاتی این خطر هست که اکثریت به ابزاری برای طبقه برخوردار تبدیل شوند تا این طبقه به خواسته‌های خود مانند لذت، ثروت و شهرت برسد. نظام طبقاتی و نگاه ابزاری به انسان ویژگی جامعه مدرن و نظام سرمایه‌داری است. در دوران مدرن ساختار طبقاتی با پشتوانه‌ای دانشگاهی رشد کرد و مبانی نظری جامعه طبقاتی و نگاه ابزاری به انسان نخست در دانشگاه تدوین شد و سپس با نیروی نهاد سیاست بر جهان تحمیل شد، بنابراین نگاه ابزاری به انسان نتیجه تعامل مستقیم نهاد دانشگاه با نهاد قدرت است.

دانشجویان به‌عنوان اکثریت فرودست تکیه‌گاه سایر طبقات دانشگاهی هستند و تنها طبقه‌ای هستند که توان تغییر این وضعیت را دارند اما آنها برای تسلیم شدن دربرابر این وضعیت منطق خود را دارند. آنها برای کسب هر منصبی در دانشگاه یا بیرون از آن نیازمند نمره و مدرکی هستند که به تایید استادان رسیده باشد. دانشجو اگر با یک نظام سیاسی درگیر شود توسط نظام‌های سیاسی متخاصم جذب می‌شود اما دانشجویی که با نظام دانشگاهی درگیر شود در هیچ یک از نظام‌های سیاسی (دوست و دشمن) جایگاهی ندارد. دانشجویان حتی برای مهاجرت به کشورهای متخاصم نیز به توصیه‌نامه اساتید خود نیازمندند، چون دانشگاه شبکه‌ای جهانی است و قدرتی بیش از نظام‌های محلی دارد.

وقتی از نگاه ابزاری به دانشجو سخن می‌گوییم ممکن است تصور شود منظور نگاه به دانشجو به‌عنوان یک بدن است که تداوم حرمسراهای شاهانه در زیرپوست دانشگاه را به‌دنبال دارد. اما این تصور درست نیست. کارزارهای «می‌تو» در محیط دانشگاهی ماهیت متفاوتی دارند. «می‌تو» در دانشگاه بیشتر اعتراف به این است که من هم در دوران تحصیل و در نگارش پایان‌نامه و مقاله به یک ابزار برای تداوم برخورداری استاد از ثروت و شهرت تبدیل شدم. چنین کارزارهایی اگر اعتراف به تقلب در دوره تحصیل یا نقض مالکیت فکری در نگارش پایان‌نامه و مقاله باشد، می‌تواند اصالت مدارک دانشگاهی را به چالش بکشد.

بهره‌کشی از دانشجویان دکتری و پسادکتری برای نگارش مقالات و برای ارتقای اساتید، فقط بخش پیدای این کوه یخی است. برخی رشته‌ها و بسیاری از سرفصل‌ها فقط برای تداوم شغل استادی به کار می‌آیند و نقشی در آینده دانشجو و جامعه او ندارند. استادان با مهارت دانشجویان را به‌سمت این رشته‌ها سوق می‌دهند. در چنین وضعیتی رشته‌ها و سرفصل‌های مورد نیاز جامعه ارائه نمی‌شوند و ارتباط دانشگاه با صنعت و اقتصاد کشور قطع می‌شود.

وقتی نگاه ابزاری غلبه دارد در تاسیس رشته‌ها و تنظیم واحدهای درسی به نیاز کنونی دانشجو و آینده کاری او هیچ توجهی نمی‌شود و تخصص استاد و توانایی او، معیار نهایی در تدوین برنامه‌های درسی است. در فضایی که منفعت استاد اصل است، رشته‌هایی که برای دانشجو آینده کاری ندارند تعطیل نمی‌شوند و رشته‌های پرکاری مانند پزشکی، گسترش نمی‌یابند. در این نظام طبقاتی سایر باید و نبایدهای دانشگاهی نیز توسط طبقه استادان و با هدف حفظ منافع آنها تعیین می‌شوند. در دانشگاه مناسبات بین طبقات دانشگاهی و بین سلسله مراتب استادان و بین دانشگاه و سایر نهادها به همین شکل تنظیم می‌شوند.

در تاریخ دانشگاه لحظه‌هایی وجود دارد که دانشجویان از این نقش ابزاری و از این فاصله طبقاتی کلافه و عصبی می‌شوند. دانشگاه به‌عنوان یک ساختار هوشمند، مدافع طبقه برخوردار است و برای مدیریت این لحظه‌ها از پیش برنامه دارد. دانشگاه با هوشمندی ذهنیت دانشجویان را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که خشم آنها دربرابر سایر نهادها تخلیه شود. در وضعیتی که جنبش‌های دانشجویی خواسته‌های خود را دنبال می‌کنند، دانشگاه این توان را دارد که از این جنبش‌ها به‌عنوان میلیشیای خود بهره گیرد. این صحنه‌ای تکراری در تاریخ دانشگاه است که وقتی دانشجویان خشمگین با نهاد سیاست درگیر می‌شوند، استادانی که نقد زیادی به سیاست داشتند فقط در سخن با دانشجویان همراه هستند و به غایب اصلی صحنه‌های اعتراض تبدیل می‌شوند. آنها بدون پرداخت کمترین هزینه‌ای منتظر برداشت محصول می‌مانند، برای آنها اهمیتی ندارد پیروز این کارزار کیست، حتی میزان آسیبی که دانشجویان می‌بینند نیز برای آنها اهمیتی ندارد. هر جنبش دانشجویی یک بازی برد-برد برای استادان است و در هر صورت پیروز این درگیری خود آنها هستند که از یک‌سو با فرافکنی و با مهارت، نقش خود در ایجاد مشکلات اجتماعی را پنهان کرده‌اند و همزمان از این نیروی دانشجویی به‌عنوان میلشیای خود و جهت باجگیری از نهاد سیاست بهره گرفته‌اند.

این نیز صحنه‌ای تکراری در تاریخ دانشگاه است که بعد از هر دوره‌ای از اعتراضات دانشجویی مزایای طبقه برخوردار در دانشگاه افزایش می‌یابد. استفاده از خشم دانشجویان برای برخورداری بیشتر از مالیات و پول نفت که متعلق به خود دانشجویان است، بی‌رحمانه‌ترین بخش از نگاه ابزاری به دانشجوست. فرافکنی با حمله به نهادهایی مانند سیاست، صنعت و حتی دین و تاریخ و فرهنگ جامعه، یک ترفند رایج برای پنهان کردن این ضعف‌های ساختاری و اخلاقی در دانشگاه است.

نظام طبقاتی دانشگاه فقط به معنای برخورداری بیشتر از ثروت و شهرت نیست. در بین گروه‌های جامعه و به‌عنوان نمونه در بین هنرمندان افراد مشهور از شهرت خود درآمد کسب می‌کنند و نانِ نام خود را می‌خورند. این پدیده طبیعی است و چندان هم غیراخلاقی نیست. به‌هرحال شهرت بی‌دلیل نیست و راه کسب شهرت برای دیگران نیز بسته نیست. صنعتگران و هنرمندان جوان با تلاش خود می‌توانند به شهرت برسند و از شهرت خود درآمد کسب کنند.

اما فرض کنید در عرصه هنر قوانین کسب شهرت به دست افراد مشهور باشد و آنها قوانین را طوری تنظیم کنند که شهرت آنها انحصاری شود و رقیب جدیدی برای آنها پیدا نشود. چنین فضایی استبدادی است و درآمدی که حاصل این شهرت باشد غیر اخلاقی است. از این بدتر زمانی است که شهرت یک سلبریتی حاصل تلاش جوانانی باشد که جویای نام هستند. این وضعیت تصویری از جامعه طبقاتی دانشگاه است.

در دانشگاه نیز مانند هر محیط دیگری افراد مشهور درآمد بیشتری دارند و نام افراد مانند نشان تجاری ارزشمند است.

البته این نام و شهرت بی‌دلیل نیست و با تلاش زیادی به‌دست آمده اما مشکل این است که در دانشگاه اجازه ورود به حوزه تدریس و پژوهش به دست اساتیدی است که در رأس هرم دانشگاه قرار دارند و سازوکار استخدام برای تدریس در دانشگاه به‌گونه‌ای تنظیم شده که بیشتر دانش‌آموختگان جوان که انرژی و انگیزه زیادی دارند از تدریس در دانشگاه محروم می‌شوند.

وقتی استادی مدرک دکتری یا پسادکتری به دانشجو می‌دهد، معنایش این است که توانایی او را برای تدریس و پژوهش تایید می‌کند اما همان استادی که مدرک دانشجو را امضا می‌کند، با یک امضای دیگر مسیر ورود او به عرصه تدریس و پژوهش را می‌بندند. هر دو امضا برای حفظ موقعیت استاد است و دانشجو فقط یک ابزار است. بیشتر کارهای پژوهشی اساتید مشهور توسط همین دانش‌آموختگان جوان انجام می‌شود بدون آنکه از نان و نام آن چیزی به آنها برسد. در چنین وضعیتی که اساتید مشهور رقیبی در تدریس ندارند و درس‌های دانشگاهی سرقفلی آنها شده است، آنها هیچ نیازی به تغییر در روش و تحول در محتوا نمی‌بینند و معیار تولید علم تعداد مقالاتی است که دانشجویان برای آنها می‌نویسند.

عمق بی‌عدالتی زمانی روشن می‌شود که درآمد حاصل از این مقالات نیز از طرف دولت و از پول مالیات و نفت پرداخت می‌شود، یعنی درواقع از جیب خود دانشجویان پرداخت می‌شود. دانشجو مقاله را به نام استاد می‌نویسد و از جیب خودش نیز حقوق او را بابت نگارش این مقاله پرداخت می‌کند.

در دانشگاه ورود عضو جدید به هر گروهی و تداوم کار او، مشروط به جلب موافقت اعضای همان گروه است. اعضای چنین گروه‌هایی به‌طور طبیعی از نوآوران جوانی که ممکن است نان و نام اساتید قدیمی را تهدید کنند استقبال نمی‌کنند. اما این قانون که در یک دانشگاه تدریس و تحقیق در هر رشته‌ای در انحصار یک گروه محدود از متخصصین قدیمی باشد، می‌دانید از کجا آمده است؟ این قانون را خود این گروه‌ها تصویب کرده‌اند. چنین قانونی که ریشه اصلی نظام طبقاتی دانشگاه است، باعث می‌شود اعضای این گروه‌ها بی‌رقیب بمانند.

اگر این انحصار طبقاتی شکسته شود راه برای تدریس و تحقیق دانش‌آموختگان جوان که انرژی و ابتکار بیشتری دارند باز می‌شود. تخصص‌های مورد نیاز جامعه و روش‌های تدریس در دوران جدید مدام در حال تغییر است و ساختار دانشگاه باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که بتواند با تعویض مداوم نیروهای خود، چالاکی خود را حفظ کند و از تخصص و انرژی نیروهای جوان بیشتر استفاده کند. با شکسته شدن این انحصار دیگر دانشجویان مجبور نیستند از لیسانس تا دکتری درس‌هایی تکراری و سخنانی تکراری را تحمل کنند. بهترین متخصصان هر رشته هیچ گاه ثابت نیستند و تخصص‌ها مدام درحال تغییر است. اگر مدیریت هر دانشگاه جذب نیروی رسمی را متوقف کند و هزینه‌ای را که بابت تدریس به یک استاد رسمی پرداخت می‌کند، به چند استاد جوان حق‌التدریس پرداخت کند، دانشجویان در انتخاب استاد آزادی بیشتری خواهند داشت.

امتیاز یک استاد حق‌التدریس این است که امنیت شغلی ندارد و تداوم تدریس او مشروط به آن است که مدام به روز شود و بتواند محتوایی متناسب با نیاز جامعه دانشجویی تولید کند تا آینده کاری دانشجویان تضمین شود. چنین استادانی زبان نسل جدید و زمانه آنها را بهتر می‌شناسند و در هدایت آینده شغلی دانشجویان موفق‌تر هستند. استاد حق‌التدریس مجبور است در صنعت و تجارت نیز مشغول باشد و کار اصلی او خارج از دانشگاه است. چنین استادانی که در زمینه تجارت یا صنعت نیز موفق هستند، زمینه ارتباط دانشگاه با صنعت را نیز فراهم می‌کنند.

نوبت دوم

شرکت توزیع نیروی برق استان فارس (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی
به شماره ۲۹-۹-۱-۱۴۰۲
شماره فراخوان در سامانه ستاد ۲۰۰۲۰۰۷۰۰۰۰۰۰۰۴۰

۱-نام مناقصه‌گذار: شرکت توزیع برق فارس به آدرس شیراز خیابان معدل حد فاصل فلسطین و ملاصدرا ساختمان ۱۴۷ تلفن: ۸۰-۰۷۱۳۲۳۱۹۳۷۴ تلفن امور تدارکات: ۰۷۱۳۲۳۱۷۸۶۹
۲-موضوع مناقصه: اجرای عملیات رفع اتفاقات، رفع خاموشی و نت شبکه‌های توزیع نیروی برق سطح شهرستان گراش به‌صورت دستمزدی براساس استانداردهای وزارت نیرو (به شماره ۲۹-۹-۱-۱۴۰۲)
۳-زمان دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۳۱ لغایت ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۴، به مدت ۵ روز کاری
۴-مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد: فیش واریزی به مبلغ ۲۲۰۰۰۰ ریال واریز به حساب جاری شماره ۷۴۸۲۷-۰۷۸۶۰ بانک تجارت شعبه فلسطین شیراز
۵-آدرس محل تحویل اسناد (پاکت الف): شیراز خیابان معدل حد فاصل فلسطین و ملاصدرا شرکت توزیع نیروی برق فارس-امور تدارکات: تلفن ۳۲۳۱۷۸۶۹-۰۷۱
۶-آدرس محل دریافت اسناد: دسترسی به اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات دولت به آدرس www.setadiran.ir، و اطلاعات آگهی از طریق شبکه اطلاع‌رسانی معاملات توانیر به نشانی https://wamp.tavanir.org.ir/tender/main/، سایت پایگاه ملی مناقصات www.iets.mporg.ir و شرکت توزیع نیروی برق استان فارس به آدرس www.farsedc.ir امکان‌پذیر می‌باشد. لازم به ذکر است بارگذاری اسناد از طریق سامانه تدارکات دولت الزامی می‌باشد.
۷-زمان تحویل اسناد: ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۰
۸-محل برگزاری مناقصه: شرکت توزیع نیروی برق استان فارس-طبقه اول-دفتر امور تدارکات
۹-زمان بازگشایی پاکات: پاکت ارزیابی کیفی شرکت‌های مناقصه‌گر ساعت ۱۱ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ با حضور اعضای کمیسیون مناقصه باز و قرائت می‌گردد و جهت ارزیابی کیفی مناقصه‌گران به کمیته فنی بازرگانی ارجاع داده می‌شود و در جلسه‌ای که تاریخ آن در همین جلسه اعلام می‌گردد، پاکت‌های الف و ب و ج شرکت‌کنندگان درصورت کسب حدنصاب لازم بازگشایی می‌گردد. به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر در بند ۷ آگهی مناقصه واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۰-ذکر شماره مناقصه روی پاکت الف الزامی بوده و حضور پیشنهاددهندگان در جلسه آزاد است.
۱۱-تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱,۴۱۴,۵۸۰,۳۵۵ ریال که به‌صورت ضمانتنامه معتبر بانکی، اصل فیش واریز وجه نقد به حساب بانکی مجاز، گواهی خالص مطالبات قطعی تاییدشده از سوی امور مالی شرکت توزیع برق فارس می‌باشد که بایستی در پاکت الف قرار گرفته و همزمان با سایر پاکات از طریق سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir ارسال گردد، ضمنا به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی، وجه نقد و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۲-شرکت توزیع برق فارس در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار می‌باشد.
۱۳-مناقصه به‌صورت عمومی همراه با ارزیابی کیفی فشرده و در یک مرحله برگزار می‌گردد.
۱۴-پرداخت کلیه هزینه‌های کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۵-تمام مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه و ارزیابی و اعلام برنده مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (به آدرس www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.
۱۶-سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است. (شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌بایست دو روز قبل از آخرین تاریخ تحویل پاکت‌ها با مراجعه به سایت توانیر یا سایت شرکت توزیع برق فارس یا تماس با امور تدارکات از آخرین اصلاحات احتمالی اسناد مطلع گردند در غیر اینصورت مسئولیت عدم رعایت این بند به عهده مناقصه‌گران می‌باشد.)

شماره شناسه ۱۴۹۴۷۴۰ **شرکت توزیع برق استان فارس**

آگهی مناقصه عمومی

آگهی مناقصه عمومی مدیریت و اداره خدمات تأمین نیروی انسانی
بیمارستان فرهیختگان وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی در نظر دارد مدیریت و اداره خدمات تأمین نیروی انسانی خود را براساس آیین‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی و از طریق برگزاری مناقصه عمومی به مدت یک سال به اشخاص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت می‌نماید از تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ لغایت پایان روز کاری مورخ ۱۴۰۲/۳/۱۰ در ساعات اداری با ارائه کارت شناسایی معتبر و معرفی‌نامه از شرکت، جهت دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت به دبیرخانه بیمارستان فرهیختگان مراجعه نمایند.
شرایط شرکت در مناقصه:
واریز مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۱۰۹۷۹۷۷۱۷۰۰۹ نزد بانک ملی ایران به نام بیمارستان فرهیختگان جهت خرید اسناد مناقصه
ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر به مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به نام بیمارستان فرهیختگان با سررسید حداقل ۳ ماه به‌عنوان تضمین شرکت در مناقصه.
هزینه آگهی های مندرج در جراید بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
بیمارستان فرهیختگان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
سایر شرایط در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
نشانی: تهران-انتهای اتوبان شهید ستاری شمال-میدان دانشگاه-روبه‌روی سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی-بیمارستان فرهیختگان
تلفن: ۴۴۸۶۷۲۶۲-۰۲۱ داخلی ۲۰۱۰

سازمان آگهی های روزنامه
فرهیختگان
Advertisement`s Organization
تلفن وفکس: ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
ایمیل: a66348018@gmail.com

صدای نخبگان، نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
روزنامه فرهیختگان
WWW.FDN.IR
فرهیختگان
farhikhteganonline